

گرچه ونجلیس علاقه‌ی بی‌مصاحبه ندارد اما به دلیل آن‌چه که مشکل جوانان میان موسیقی و تکنولوژی موجود می‌نامد، به مصاحبه با نشریه یونانی Music Tone تن داده است. ونجلیس در این مصاحبه می‌کوشد توجه جوانان را بر موضوعاتی متمرکز کند که فکر می‌کند در مقابل تکنولوژی موسیقی قرن ما معنی‌دار است.

موسیقی و تکنولوژی در ایران
 از آرزوهای من است. من به آن علاقه دارم.

آقای ونجلیس بر خورد اولیه شما با موسیقی چه بود؟ چه چیزی شما را به دنیای موسیقی کشید؟
 چیزی به خصوصی نبود. از زمانی که خودم را می‌شناسم موسیقی در هر کاری که انجام می‌دادم و در همه افکارم وجود داشت. من موسیقی را بهترین وسیله برای شناخت جهان و ارتباط با طبیعت می‌دانم.

شما چند سال دارید؟

۳۰۰۰ سال! هنوز جوانم. من سه هزار سال تاریخ یونان را همراه دارم. به نظر من این باید جواب هر یونانی باشد که کشورش را خوب می‌شناسد.

پس چرا حضور محدودی در موطن خود دارید؟ چرا کنسرت‌های بیشتری در یونان اجرا نمی‌کنید؟
 کنسرت‌ها مواردی نیستند که اجرای آن‌ها مرا زیاد آزار دهد. ولی جدای از کنسرت‌های خیره و ملی، حضورم چه داخل کشور باشد چه خارج از آن، زیاد اهمیتی ندارد.

چه ویژگی‌هایی در مکان‌هایی خاص یا آرزوهای تحقق نیافته‌تان ارتباط می‌یابد؟

در این مورد من ونوس را ترجیح می‌دهم. زیرا که برای من گیرایی خاصی دارد و ما بایستی خیلی خوشبخت باشیم که یونان ما پر از ونوس است.

از چه زمانی از ساز پیانو به موسیقی الکترونیک روی آوردید؟

اولین ساز الکترونیکی که من با آن کار کردم ارگ Hammond بود. اما زمانی که سینتی‌سایزر آمد، من فوراً کار با آن را شروع کردم. باید بگویم من هرگز به طور رسمی درس موسیقی نخواندم. اما با تمام سازها می‌توانم کار کنم. حتی با ارکستر سمفونی نیز می‌توانم همکاری کنم. تنظیم موسیقی از جمله مواردی است که در مدارس موسیقی تدریس می‌شود. اما تنظیم موسیقی را هرگز نمی‌شود تدریس کرد. همان‌طور که نمی‌توان خلاقیت را به افراد آموزش داد.

هم‌اکنون مدارس موسیقی بسیاری وجود دارند که قصد آن‌ها تدریس استفاده از تکنولوژی در موسیقی



Vangelis

رتال جامع علوم انسانی

ونجلیس

۳۳ سال
 گریز از
 غمگین و یکنواخت

است. روش تدریس آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ حتی اگر این مدارس وجود داشته باشند، متأسفانه روش‌هایی را تدریس می‌کنند که برای ماشین‌هاست نه آدم‌ها. اگر برای طبیعت انسان ارزش و احترام بیشتری قائل شویم می‌توانیم مدارس بهتری داشته باشیم.

به طور حتم شما در استفاده از تکنولوژی و موسیقی الکترونیکی اثر شخصی خود را به جا گذاشته‌اید. آیا برای شما ایده‌آل‌ترین وسیله برای ابزار احساسات است؟ اگر هستم چطور؟

من از تکنولوژی سنتی‌سازگرمم، چو که می‌توانم آلات موسیقی الکترونیک را مانند نوعی تلسکوپ یا میکروسکوپ برای درک قانون موسیقی به کار ببرم. چنان‌که برای درک قانون طبیعت از تکنولوژی استفاده می‌کنم. من در پیش‌گفتاری که در کتاب جاکوب‌گابریل و جرجیادیس با عنوان موسیقی و تکنولوژی جدید که در سال ۱۹۹۴ در لندن منتشر شد، این موضوع را به تفصیل توضیح داده‌ام. موسیقی الکترونیک به من اجازه می‌دهد صداهایی را که در طبیعت دوست دارم و سازهای سنتی فاقد توان تولید آن هستند به وجود بیاورم.

اغلب اوقات این سؤال برای من پیش می‌آید که آلات موسیقی الکترونیک و تکنولوژی مدرن آن چیست و آیا مایه‌ی برد آ را به عنوان ابزاری که فقط کلید دارد ولی ابزار دقیق و کاملی نیست تعریف می‌کنیم؟

ببینید انسان برای ایجاد صدایی همگون و قابل درک اولین طبل، فلوت، ویولون و غیره را برای ارضای خویش ساخت. مثل زمانی که چرخ اختراع شد و در نهایت ما را برای فتح دنیا هدایت کرد. اما فکر نمی‌کنم ابزاری که تاکنون ساخته شده است بتواند جهان را کنترل کند و این در دنیای موسیقی نیز صادق است. دلیل آن این است که ما با سرمایه‌گذاری در تکنولوژی انسان را به عنوان بهترین وسیله در این زمینه فراموش کرده‌ایم. به زبانی دیگر به جای استفاده از تکنولوژی جهت منافعمان هر روز بیشتر و بیشتر اسیر و گرفتار آن شدیم. من از دوران نوجوانی به عنوان علاقه‌مند به تکنولوژی موسیقی، در راه تکامل آن گرفتار کلبوس شده‌ام و این به دلیل به کارگیری روش انحصاری تولیدکنندگان تکنولوژی است. ما برای کاهش فاصله بین لحظه خلق و اجرا احتیاج به دستگاه‌های دقیق‌تری داریم، بنابراین تنها یک کی‌برد نمی‌تواند پاسخگوی نیاز ما باشد. این جاست که تکنولوژی پیشرفته به کمک آهنگساز می‌آید تا نیاز او را برطرف سازد، اما مسأله مهم این است که موسیقی و خلق آن کاملاً جدی است و بیش از یک سرگرمی ساده و ارزش تجاری است. موسیقی و خلق آن برای انسان بدون فراموشی رنج‌ها، آرامش می‌آورد. پس من از شما (خوانندگان و تولیدکنندگان)

می‌خواهم جهت ایجاد یک بهشت تکنولوژیکی، نه بهشتی که فقط بتوانیم آن را نگاه کنیم بلکه بتوانیم در داخل آن زندگی کنیم و در نهایت با قانون جهانی ارتباط برقرار کنیم، این موضوع را جدی بگیرید. اتفاقی نیست که فلاسفه قدیم یونان مرتباً در مورد موسیقی آسمان‌ها و افلاک صحبت می‌کردند. این همان است که تولیدکنندگان در طرح‌هایشان مورد توجه قرار ندهاند. ما باید از تکنولوژی به مثابه هدیه‌ای از طرف خداوند استفاده کنیم.

نظر شما راجع به موسیقی European Synthesizer که از جمله آن‌ها می‌توان به کرفت ورک (Kraft Werk) و هیومان لیگو (Human League) اشاره کرد، چیست؟

سؤال خوبی را عنوان کردید. برای من این گونه موسیقی همانند پرندۀ مرده‌ای است. زیباست، اما تأثرانگیز است که دیگر مرده است. در حال حاضر این سبک نسبت به موسیقی‌های دیگر دارای کمبود است.

شما با آلبوم Direct راهی را ارائه دادید که همزمان بتوان تعداد زیادی مولد صدا را از یک کی‌برد کنترل کرد. این تکنیکی است که اکثر آهنگسازان علاقه دارند بر آن غلبه کنند. شما چه توصیه‌ی دارید؟

از آن جایی که من می‌خواهم همزمان از بیش از یک آلت موسیقی استفاده کنم احتیاج به تکنیک دسترسی سریع دارم. یعنی این که لحظه الهام تا زمان اجرا را کاهش دهم و این حتی می‌تواند از طریق یک کانال MIDI^۳ کاهش یابد. متأسفانه بیشتر اوقات، آهنگسازان در اروپا و آمریکا شگردهای شخصی را همراه این آلات الکترونیکی استفاده نمی‌کنند. سیستم‌ها لحظه به لحظه از طرف تولیدکنندگان تحمیل می‌شوند و نتیجه این است که آهنگسازان مجبور به پیروی از ماشین‌ها شوند، در عوض این که بر آن‌ها سیطره یابند. اما بهتر این است که آهنگساز راه خود را در توصیف و خلق آثار کشف کند و تحت تأثیر طرح‌هایی که از کمپانی‌های تجاری ارائه می‌شوند قرار نگیرد و گرنه موسیقی او یکنواخت و فاقد اصالت می‌شود.

اما کامپیوترها نقش عمده‌ای را در کنترل سینتی‌سایزرهای امروزی ایفا می‌کنند.

این کاملاً درست است، اما من نمی‌توانم از کامپیوتر درخواست کنم که بخواند برعکس اگر بر یک آلت موسیقی تسلط پیدا کنم می‌توانم از طریق آن احساس خود را بیان کنم آنگاه می‌شود از آلات الکترونیک و تکنولوژی کامپیوتر کمک گرفت. اما وقتی چنین چیزی رخ ندهد ما سعی می‌کنیم که از کامپیوتر یک راه‌حل توافقی به دست آوریم. از ابزاری که برای موضوع‌های عملی و نه برای خلق ساخته می‌شوند. این جاست که

برده و اسیر شگفتی‌های آن می‌شویم و به این طریق دیر یا زود حقیقت ارزشمند احساس ناگهانی بشری از بین خواهد رفت و پس از نابودی نازگی و اشتیاق لحظه خلق، تمام این وسایل و ابزار یک نتیجه موزیکالی را برای آینده به ارمغان می‌آورد که بیش از یک تصور غمگین و یکنواخت نخواهد بود.

توسعه‌ای را که شما برای سینتی‌سایزرها پیش‌بینی می‌کنید چگونه است؟

من امیدوارم که سینتی‌سایزرها به سوی احساس انسان سوق پیدا کنند. یعنی زمانی فرا رسد که آن‌ها به شرح و توصیف کمک کنند، نه این که مانع و سد راه ذهن و روح آهنگساز شوند.

بعد از سال‌های بسیار در کار با سینتی‌سایزر، چه پیشنهادی برای کمپانی‌های تولیدکننده دارید؟

بعد از تمام این سال‌ها می‌توانم با اطمینان بگویم از سال ۱۹۷۰ تا امروز، هیچ کمپانی‌یی وجود نداشته است که بتواند آلتی را با پیوستگی مطلق تولید کند. وقتی آهنگسازان رشد می‌کنند پس ساز هم باید اصلاح شود. این آلات هم تغییری را احتیاج دارند که برای سازهای آکوستیک سنتی مثل پیانو و... رخ داد.

آقای ونجلیس شما چه اوقاتی آهنگسازی می‌کنید؟ من برای تحقق آرزوهایم در موسیقی همیشه آماده‌ام. هرگاه موسیقی بخواهد من هم می‌خواهم.

پانوشته‌ها:

۱. Synthesizer

سینتی‌سایزر ماشینی الکترونیک است که اصوات موسیقی یا آوایی را به صورت اجزایی منفرد با هم ترکیب می‌کند. اولین سینتی‌سایزر موسوم به RCA در سال ۱۹۵۵ میلادی ساخته شد.

مدل‌های ترانزیستوری سینتی‌سایزر مانند موگ (Moog) و بوخلا (Buchla) در دهه شصت میلادی تکامل یافتند. در دهه هفتاد میلادی سینتی‌سایزرها به همراه کی‌برد مورد استفاده طیف وسیعی از آهنگسازان و حتی نوازندگان پاپ قرار گرفت. امروزه دستگاه‌های سینتی‌سایزر کامپیوتری به صورت دیجیتال قادر به تخلیه و تولید صداهای دقیق آلات موسیقی هستند.

۲. Keyboard

هر سازی یا شاسی‌های کلاویه (کلیدهای سیاه‌وسفید) مانند پیانو و ارگ.

۳. MIDI

می‌دی یا "Musical Instrument Digital Interface" یک رابط سریال استاندارد است که اتصال بین سینتی‌سایزرها، آلات موسیقی و کامپیوترها را برقرار می‌سازد. از دستگاه‌های می‌دی می‌توان برای تولید، ذخیره و پخش موسیقی استفاده کرد.



آثار تنجیرین دریم در کنار ساخته‌های Mike Oldfield برای فیلم‌هایی چون جن‌گیر^۱ و جادوگر^۲ توسط ویلیام فریدکلین (William Friedkin) استفاده می‌شود. بدین ترتیب در طول دهه هشتاد میلادی هالیوود به سراغ گروه تنجیرین دریم می‌رود و از موسیقی این گروه در بیش از ۳۰ فیلم بهره می‌جوید. پیش از این عقاید و اصول مستقل موسیقی الکترونیک نتوانسته بود بر رویه کلی و رایج در موسیقی آمریکا تأثیری بگذارد. اما موفقیت‌های آثار تنجیرین دریم در زمینه موسیقی فیلم (به ویژه موسیقی فیلم Risky Business) باعث به کارگیری شیوه‌های نو در تمام آثار آهنگسازان سبک‌های مختلف در آمریکا می‌شود.

در سال ۱۹۸۳ آلبوم Hyper borea منتشر می‌شود. این آلبوم به عنوان آخرین همکاری تنجیرین دریم با کمپانی Virgin به حساب می‌آید. در اواخر دهه هشتاد انتشار آلبوم Zomba باعث ایجاد تحولات سبکی در گروه می‌شود و بعد از آن آلبوم Leparc که در سال ۱۹۸۵ منتشر می‌شود موفقیت جدیدی را نصیب گروه می‌کند و از طرف منتقدان موسیقی به عنوان بهترین آلبوم دهه هشتاد در سبک الکترونیک معرفی می‌شود.

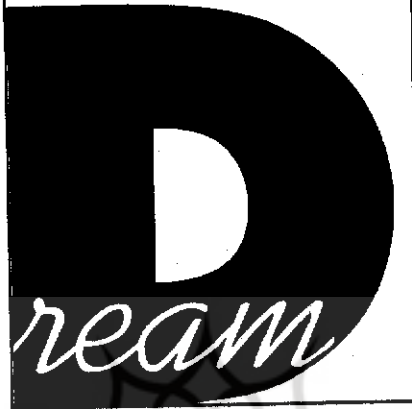
در سال ۱۹۸۷ آلبوم Tyger به دلیل این که جنبه‌های آوازی بیشتری را نسبت به آلبوم‌های قبلی در نظر گرفته بود باعث نارضایتی بسیاری از طرفداران تنجیرین دریم می‌شود.

در سال ۱۹۸۸ Frank گروه را ترک می‌کند و برای مدت کوتاهی Paul Haslinger جایگزین او می‌شود. پس از ارائه آلبومی با عنوان Optical Race او نیز گروه را ترک کرده و پسر Froese با نام Jerome به گروه می‌پیوندد. در طول دهه ۹۰ میلادی، تنجیرین دریم سالانه دو آلبوم روانه بازار موسیقی کرده است.

پانوشته‌ها:

1. Exorcist
2. Sorcerer

Genre:
New age
Style:
Electronic - Rock



هنرمندانی چون Kurt Herkenberg و Lanse Hapshesh به ترتیب با گیتار باس و Drum هنرنمایی می‌کنند. در سال ۱۹۶۹ همکاری Klaus Shulze با این گروه تأثیر به سزایی در پیشرفت تنجیرین دریم می‌گذارد اما در سال ۱۹۷۰ شولز گروه را به قصد فعالیت انفرادی ترک می‌کند. پس از آن Froese با افرادی چون Christopher Frank و Schraeder Steve همکاری می‌کند و در سال ۱۹۷۵ به همراه Peter Baumann به عنوان نوازنده ارگ گروه ثابتی را فراهم می‌کند. گروه سه نفره Froese و Frank و Baumann تا سال ۱۹۷۷ تحت نام تنجیرین دریم آثار قابل توجهی همچون Alpha Centauri و Zeit را منتشر می‌کنند. این گروه با بهره‌برداری از سینتی‌سایزر و با انتشار آلبوم Aten آوازه خود را به بیرون از مرزهای اروپا می‌کشاند و قراردادی پنج ساله با کمپانی Virgin امضا می‌کند. آغاز کار در کمپانی Virgin به تنجیرین دریم امکان استفاده از سینتی‌سایزرهای Moog را می‌دهد و آلبوم Phaedra را به لیست بیست موسیقی برتر انگلستان وارد می‌کند.

در سال ۱۹۸۷ Baumann با ترک گروه تنجیرین دریم جای خود را به Steve Joliffe می‌سپارد.

در سال ۱۹۸۰ گروه اولین برنامه زنده خود را در برلین شرقی به نمایش می‌گذارد و یک سال بعد از آن همراه با ارکستر مونیخ برنامه‌ای را در تلویزیون آلمان اجرا می‌کند.



Edgar & Jerome Froese

تنجیرین دریم و موسیقی فیلم

بی‌شک آثار گروه تنجیرین دریم در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی بر پهنه وسیع موسیقی الکترونیک تأثیر به سزایی گذاشته است. این گروه در سال ۱۹۶۸ توسط Edgar Froese شکل می‌گیرد.

Froese در شهر تیلسیت (Tilsit) به سال ۱۹۴۴ چشم به جهان می‌گشاید. از کودکی با موسیقی انس می‌گیرد و در دوران جوانی به گرایش هنری داداتیسم و سوررئالیسم کشیده می‌شود. او همچنین جذب شخصیت‌های ادبی همچون والت ویتمن و هنری میلز می‌شود. در اواسط دهه شصت به هنگام اقامت در اسپانیا علاقه‌اش به آثار هنری را با موسیقی هماهنگ می‌سازد و آثار قابل توجهی از خود به جای می‌گذارد. در سال ۱۹۶۷ Froese در گروهی به نام Ones مشغول به کار می‌شود اما این گروه قبل از پایان دادن به کار خود فقط دو اثر انفرادی منتشر می‌کند. او یک سال بعد با تشکیل گروه تنجیرین دریم اولین برنامه تلویزیونی خود را ارائه می‌دهد. در این برنامه Froese گیتار می‌نوازد و

Klaus Schulze کلاوس شولز

سایه
استاد
هنر موسیقی
الکترونیک
Genre:
Rock
Style:
Electronic



کلاوس شولز

به عنوان هنرمندی تک نواز
از بنیان‌گذاران
موسیقی الکترونیک معاصر
دوره‌ای
از فعالیت خود را
در گروه‌های تنجیرین دریم و
Ash Ra Tempel
گذرانده است.

شهرهای حماسی و آثار موفق او کلیدی مؤثر در

(Klaus Schulze) آهنگساز آلمانی را ملاقات می‌کند و با استفاده از تجربیات او اولین سینتی‌سایزر خودش را می‌سازد و بدین گونه کار با گونه‌های مختلف صداهای غیر معمول را تجربه می‌کند. در سال ۱۹۷۸ اولین آلبوم انفرادی او با عنوان Astral Voyage منتشر می‌شود و به سرعت مورد توجه و تحسین عموم قرار می‌گیرد. دو سال بعد از آن به سفارش کمپانی NHK ژاپن برای موسیقی مجموعه مستند جاده ابریشم^۲ اولین قطعه از مجموعه آتمسفریک جاده ابریشم را تصنیف می‌کند. کیتارو تا قبل از امضای قرارداد با کمپانی Geffen Record در سال ۱۹۸۶ هنوز چندان در امریکا مطرح نیست. او با قبول این قرارداد متعهد می‌شود هفت آلبوم قبلی خود را دوباره منتشر کند و به توسعه طرح‌هایش در موسیقی بپردازد.

کیتارو پس از گذشت سال‌ها از تولید موسیقی، که در خلوت استودیوی شخصی هنرمند در ژاپن انجام می‌گیرد، با کمک میکی هارت که (Mickey Hart) آلبوم خود را با نام The Light of the Spirit ۱۹۸۷ در سال منتشر کرده بود، دوباره تصنیف می‌کند. بدین در ترتیب این آلبوم نامزد دریافت جایزه Grammy بخش بهترین موسیقی New age می‌شود. در همان سال کیتارو اولین تور کنسرت زنده خود را در امریکای شمالی برپا می‌کند و این سبب می‌شود تا او دو میلیون نسخه از آلبوم‌هایش را بفروشد.

از دیگر آثار قابل توجه کیتارو می‌توان به ماندالا^۳ که اثری است سرشار از تم‌های شرقی و موسیقی متن فیلم بهشت و زمین^۴ به کارگردانی الیور استون، اشاره کرد.

کیتارو ابتدا از سینتی‌سایزر برای تولید موسیقی روحانی بهره می‌برد. اما به تدریج تغییراتی در سبک خود ایجاد می‌کند. به طوری که در آثار اخیر او سبک‌های پاپ و راک که در اواخر دهه شصت میلادی رایج بود احساس می‌شود.

در سال ۱۹۸۸ میلادی، کیتارو به تصنیف موسیقی Cirque Ingenivux می‌پردازد که تنها مختص به صحنه‌های تاتر براودوی^۵ است. در اوایل سال ۱۹۹۹ منتحی از قطعات قبلی‌اش در دو آلبوم انتشار می‌یابد.

در ایران آلبوم‌های «جاده ابریشم ۱»، «جاده ابریشم ۲»، «ماندالا» و «بهشت و زمین» منتشر شده است.

پانویس‌ها:

1. Mesanori Takataashi
2. Silk Road
3. Mandala
4. Heaven&Earth
5. Broad way

کیتارو

جاده
ابریشم
Genre:
New age
Style:
Progressive Electronic



کیتارو را به عنوان یکی از چند چهره شاخص موسیقی New age در دنیا می‌شناسند. در موسیقی او رگه‌هایی از پاپ و راک دهه ۶۰ میلادی نفوذ یافته است. ماسانوری تاکاهاشی^۱ با نام مستعار کیتارو به سال ۱۹۵۲ میلادی در شهر توپوهاشی ژاپن متولد می‌شود. او طی دوران دبیرستان در ژاپن به گیتار برقی روی می‌آورد. در اوایل دهه هفتاد میلادی، کیتارو گروه راک The Far East Family را تشکیل می‌دهد. این گروه دو آلبوم در سبک راک پیشرفته ارائه می‌دهد. در سال ۱۹۷۲ میلادی کیتارو در سفری به اروپا کلاوس شولز،

مقایسه آثار گوته و برلیوز بود، گروه راک *Mystere IV* را تشکیل می‌دهد و در سال ۱۹۷۱ اولین تجربه خود در موسیقی الکتروآکوستیک* را با عنوان *قفس (L.A. Cage)* به صورت قطعه‌ای انفرادی منتشر می‌کند.

کارهای اولیه ژار بسیار ناموفق بودند. بدین ترتیب او با سعی در تقویت کیفی آثار خود به توسعه ملودی‌های آثارش برای اجرای ارکستر پرداخت که سبب شد تا در سال ۱۹۷۷ اثر *Oxyg & egrave;ne* به عنوان یک موفقیت بزرگ تجاری منتشر شود و در فهرست موسیقی‌های برتر پاپ انگلستان جای بگیرد اما اثر دیگر او با نام *Equinox* با موفقیت چندانی روبه‌رو نمی‌شود. یک سال بعد ژار اولین کنسرت خود را در فضای باز در پاریس اجرا می‌کند. جلوه‌های خیره‌کننده نمایشی همراه با موسیقی ژار سبب استقبال جمعیتی حدود یک میلیون نفر می‌شود و نام او در کتاب *Guinness Book of World Record* ثبت می‌شود.

پس از سال ۱۹۸۱ او با اثر *Les Chants Magn;tiques* تور موسیقی شخصی خود را برپا می‌کند. در این سفر او به چین می‌رود و طی پنج اجرای موفق موقعیت خود را تثبیت می‌کند.

در سال ۱۹۸۳ ژار با موسیقی *Music for Supermarkets* که یکی از بهترین کارهای او به شمار می‌رود بیش از پیش مطرح می‌شود. تنها یک نسخه از این اثر در مزایده خیریه‌ای به مبلغ ده هزار دلار به فروش می‌رسد و برای تضمین کمیاب بودن آن نسخه اصل را می‌سوزانند!

آلبوم بعدی او در سال ۱۹۸۴ با عنوان *Zoolook* منتشر می‌شود و ژار در سال ۱۹۸۴ پس از دو سال وقفه کاری با کنسرت زنده پرهزینه‌ای که در *Houston* اجرا می‌شود به عرصه موسیقی باز می‌گردد. این کنسرت با حضور بیش از یک میلیون علاقه‌مند به مناسبت جشن سالانه *NASA* برپا می‌شود. چند هفته بعد از آن اثر دیگری با نام *Randes-Vous* را منتشر می‌کند. در سال ۱۹۹۰ ژار با اجرای کنسرتی به مناسبت روز *Bastille* در منظر ۲/۵ میلیون علاقه‌مند بزرگترین موفقیت خود را رقم می‌زند. در سال‌های بعد از آن او کمتر در صحنه ظاهر می‌شود و دیگر مانند گذشته از معروفیت چندانی برخوردار نیست.

ژار به واسطه تجاری بودن آثارش علاقه‌مندان زیادی به دست آورده است. اما در زمان کم‌کاری به سرعت فراموش می‌شود. در ایران منتحبی از آثار او با نام «تصاویر» به صورت یک آلبوم منتشر شده است.

* *Electro-Acoustic*: مخلوطی از نوعی موسیقی موسوم به کنسرت که استفاده از آلائی است که بر اساس تجربی ایجاد صدا و آوای موسیقی می‌کنند، همراه با موسیقی الکترونیکی. در این نوع موسیقی اصوات بر مبنای آکوستیک تهیه می‌شود.

Jean Michel Jarre

ژان میشل ژار

نمایش‌های

خیره‌کننده

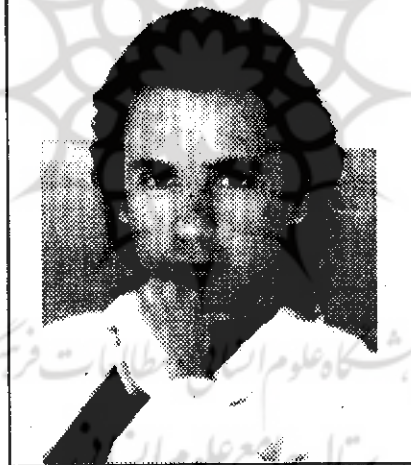
Genre:

New age

Style:

Progressive

Electronic



ژان میشل ژار به عنوان آهنگساز، در دهه هفتاد میلادی جلوه‌های تازه‌یی از سینتی‌سایزر را نمایان می‌سازد. او شهرت فراوانی را به عنوان یک ستاره بین‌المللی به واسطه کنسرت‌های خیره‌کننده‌اش به دست آورده است.

ژان فرزند موریس ژار (آهنگساز معروف فیلم‌هایی چون دکتر ژواگو، محمد رسول‌الله(ص) و لورنس عربستان) در ۲۴ آگوست ۱۹۴۸ میلادی در شهر لیون فرانسه چشم به جهان می‌گشاید. در سن پنج سالگی شروع به فراگیری پیانو می‌کند. اما در سنین جوانی موسیقی کلاسیک را رها کرده شیفته موسیقی جز *BZZ* می‌شود. در سال ۱۹۶۸ پس از ارائه پایان‌نامه تحصیلی خود تحت عنوان «فاوست ادبیات و موسیقی» که

پیشرفت‌های هنری سبک *New age* به شمار می‌آید. شولز در ۴ آگوست ۱۹۴۷ میلادی در برلین چشم به جهان می‌گشاید. او روند کارهای هنریش را در دهه شصت میلادی با نوازندگی گیتار برقی و *Drum* در گروه‌های موسیقی محلی آغاز می‌کند. در سال ۱۹۶۹ نوازندگی *Drum* را در گروه تجربین دریم به عهده می‌گیرد و یک سال بعد نخستین اثر موسیقی خود را با نام *Electronic Meditation* منتشر می‌کند. این آلبوم نتیجه تلاش شولز به همراه گروه است. با وجود این بلافاصله با همکاری *Manuel Gattsching* و *Hartmut Enke* به تأسیس گروه *Ash Ra Tempel* می‌پردازد. این گروه اولین اثر خود را در سال ۱۹۷۱ منتشر می‌کند.

اما شولز که هنرمندی غیرقابل پیش‌بینی است، شرایط گروه را مساعد نمی‌بیند و پس از چند ماه با ترک گروه حرفه خود را به صورت انفرادی پیش می‌گیرد.

همان‌طور که انتظار می‌رود آثار قبلی او در سبک *Kraut - Rock* هیاهوی فراوانی ایجاد می‌کند و در این برهه از زمان است که او به عنوان هنرمندی تک‌نواز به سرعت مطرح می‌شود.

شولز کار با سینتی‌سایزر را در سال ۱۹۷۲ شروع می‌کند اما در اولین کار انفرادیش با نام *Irricht* استفاده چندانی از سینتی‌سایزر نمی‌کند. در طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ او دو آلبوم *Blackdance* و *Cyborg* را عرضه می‌کند. اولین اثر سینتی‌سایزر او با عنوان *Time Wind* که به گفته بسیاری از طرفدارانش، شاهکار او به شمار می‌رود در سال ۱۹۷۵ منتشر می‌شود.

شولز پس از همکاری با *Stomu Yamsh'ta* در آلبوم *Go*، که در سال ۱۹۷۶ منتشر می‌شود با تب‌وتاب آثار جدید انفرادیش دوباره به روی صحنه می‌آید. از جمله این آثار می‌توان به آلبوم‌های *Moondawn* و *Mirage* در سال ۱۹۷۷ اشاره کرد.

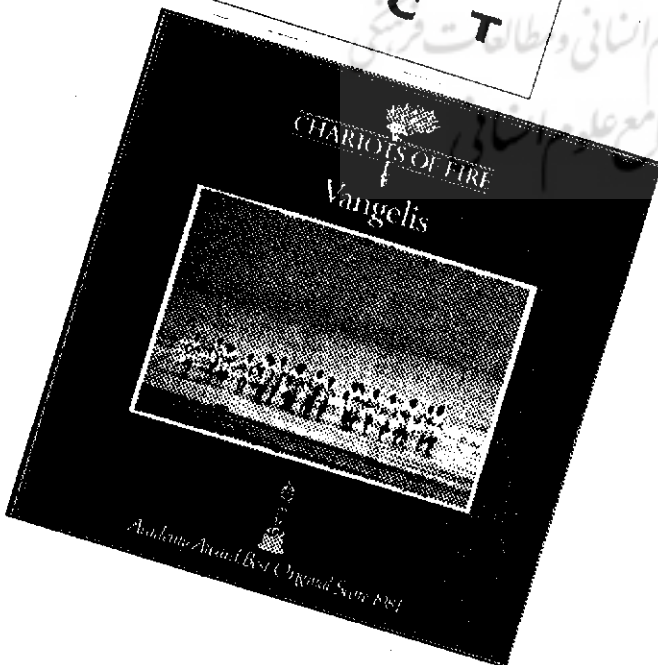
شولز در سال‌های بعدی نیز همچنان به عنوان هنرمندی استثنایی و فعال باقی ماند.

در سال ۱۹۷۹ آلبوم *Dune* به عنوان دوازدهمین آلبوم انفرادی او در دهه هفتاد منتشر می‌شود. در طول دهه هشتاد میلادی شولز آثار خود را با لیبیل اختصاصی خودش *IC*، منتشر می‌کند و آلبوم *Digit* اولین اثر کاملاً دیجیتال او به شمار می‌رود.

در دهه نود نیز شولز، در موسیقی رقص معاصر غوطه‌ور می‌شود و آثاری از این دست با همکاری *Pete Namlook* منتشر می‌کند.

شولز را می‌توان هنرمندی فانی در سبک الکترونیک به حساب آورد. تأثیرات بی‌واسطه‌اش بر هنرمندانی چون کیتارو، اعضای گروه تجربین دریم و دیگران هنرمندان او را تا سطح استادی در حرفه‌اش معروف ساخته است.

آواهای وینجلی شنا



آواهای وینجلیس را سال‌هاست که میلیون‌ها ایرانی بر روی امواج صداوسیما می‌شنوند اما یقیناً بسیاری از شنوندگان با نام سازنده این آواها که هیچ‌گاه از او نامی برده نشده، آشنا نیستند. به نمونه‌یی از به‌کارگیری آواهای وینجلیس در برنامه‌های مختلف اشاره می‌کنیم:

۱. ساعت آنالوگ مشهور که سال‌هاست از دقایقی پیش از شروع اخبار سراسری بر صفحه تلویزیون نقش می‌بندد با آوای موسیقی وینجلیس آمیخته است. این موسیقی قطعه‌ای از موسیقی فیلم *Apocalypse des Animaux* (La Petite Fill de) *Maux* به نام دختر کوچک دریا (La Mer) از ساخته‌های وینجلیس است.

۲. موسیقی سریال عروسکی مزرعه سبز (شتر عزیز) از قطعه‌ای از آلبوم... با نام *Generique* انتخاب شده بود.

۳. برنامه ورزش و مردم همواره با قطعه *Chariots of Fire* شروع می‌شود.

۴. برنامه هر جمعه گزارش هفتگی تلویزیون با قطعه‌یی از *Pulstar* از آلبوم *Themes* آغاز می‌شود.

۵. موسیقی متن برنامه یادداشت سیاسی بعد از اخبار سراسری، قطعه *Alpha* از آلبوم *Themes* است.

۶. قطعه فتح بهشت *Conquest of Paradise* به همراه بسیاری از تصاویر تلویزیونی از تبلیغ بیمه و پفک‌نمکی و... گرفته تا سریال‌های تاریخی به طور مداوم و مکرر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۷. رادیو پیام همه روزه قطعات مختلفی را از آلبوم آقیانوسی *Oceanic* وینجلیس پخش می‌کند.

۸. کانال ۴ سیما همه روزه یک قطعه خاص از وینجلیس را پخش می‌کند. این تنها کانالی است که نام آهنگساز را همراه با پخش موسیقی بیان می‌کند.